



سید جواد حسینی

اندرز در مورد خدا و رسول او ﷺ
معنی ندارد و معلوم می‌شود مراد از آن
خیرخواهی است.

راغب می‌گوید: «نصح و
نصیحت، هر کار یا هر سخنی است که
در آن مصلحت صاحب عمل و سخن
باشد... و این واژه یا در اصل به معنای
خلوص و اخلاص است؛ لذا به عمل
خالص «ناصح» می‌گویند و یا به معنای
اصلاح نمودن و محکم کاری است که
به کار خیاط «نُصَح» می‌گویند؛ به خاطر

واژه «نصح» و «نصیحت» در زبان
روزمره فارسی معمولاً به معنای اندرز
به کار می‌رود؛ ولی در لغت عرب
چنین نیست و مفهوم وسیع و
گسترده‌ای دارد.

پیامبر اکرم ﷺ به اصحابش
فرمود: «الَّذِينَ النَّصِيحَةُ قُلْنَا لِمَنْ قَالَ لِلَّهِ
وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ وَلَا أُمَّةٍ الْمُسْلِمِينَ
وَعَامَّتِهِمْ»^۱ دین، نصیحت و خیرخواهی
است. [اصحاب می‌گویند:] پرسیدیم:
[خیرخواهی] برای چه کسی؟ فرمود:
برای خدا و کتابش و برای رسول خدا
و پیشوایان مسلمین و تمام مسلمانان.
روشن است که نصیحت به معنای

۱. صحیح مسلم، ج ۵۵، به نقل از: منتخب میزان
الحکمة، محمدی ری‌شهری، دار الحدیث،
۱۳۸۲، ص ۵۰۲، ح ۶۰۹۲.

خیرخواهی در قرآن

در قرآن کریم آیات متعددی درباره خیرخواهی آمده که غالب آنها از زبان پیامبران الهی است که حقیقه خیرخواه مردم بوده‌اند. در اینجا به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۱. خیرخواهی حضرت نوح علیه السلام

قرآن کریم از زبان حضرت نوح علیه السلام، شیخ الانبیاء که ۹۵۰ سال امت خویش را به راه حق دعوت نمود و دلسوزانه در پی خیرخواهی آنان بود، چنین نقل می‌کند: «أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛^۱ «رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم و خیرخواه شما هستم و از خداوند چیزهایی [از لطف و رحمت] می‌دانم که شما نمی‌دانید.»

اصلاح و محکم‌کاری که بر روی پارچه انجام می‌دهد... و توبه نصوح هم یا به معنای توبه خالص است و یا توبه محکم و پایدار.^۱ از آنجا که شخص خیرخواه از روی خلوص و اخلاص در کار دیگران می‌کوشد و یا دنبال اصلاح و محکم‌کاری در امور دیگران است، واژه نصح و نصیحت درباره او به کار می‌رود.

و هر گاه این واژه در بحث اخلاقی به کار رود، درست نقطه مقابل حسد قرار دارد. نصح در اخلاق یعنی خیرخواهی و اینکه انسان نه تنها خواهان زوال نعمت از دیگران نباشد، بلکه خواهان بقای نعمت و فزونی آن برای همگان باشد و خلاصه هر آنچه از خیر و خوبی و سعادت برای خود می‌خواهد، برای دیگران نیز بخواهد.^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لِيَنْصَحِ الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَخَاهُ كَنْصِيحَتِهِ لِنَفْسِهِ»^۳ باید مردی [و انسانی] از شما خیرخواه برادرش باشد؛ آن‌گونه که خیرخواه خویش است.»

۱. المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، تهران، دفتر نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق، ص ۴۹۴.

۲. ر.ک: پیام قرآن، ناصر مکارم شیرازی، مدرسه امیر المؤمنین علیه السلام، ج ۲، ص ۱۴۸؛ معراج السعادة، نراقی، هجرت، ص ۴۷۰.

۳. الکافی، کلینی، ج ۲، ص ۲۰۸، ح ۵؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۵۰۲، ح ۶۰۹۴؛ بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۵۸، ح ۷.

۴. اعراف/۶۲.

از خیرخواهی نوح علیه السلام بود که در مرحله اول سیصد سال مردم را به خیر و نیکی دعوت کرد و کسی از مردم دعوت او را اجابت نکرد. حضرت نوح علیه السلام به آنها سیصد سال دیگر مهلت داد و در این مدّت باز آنها را به خیر و صلاح دعوت نمود و آنها باز اجابت نکردند. میخواست نفرین کند، ولی باز هم از سر خیرخواهی سیصد سال دیگر به آنها مهلت داد که مجموعاً نهصد سال شد و در این مدّت طولانی فقط هشتاد نفر ایمان آوردند^۱ و خداوند به نوح علیه السلام خبر داد که: «از قوم تو هرگز ایمان نمی آورند مگر همانهایی که ایمان آورده اند. پس غمگین مباش به آنچه ایشان می کنند»^۲

سرانجام حضرت نوح علیه السلام مجبور شد که نفرین کند و خداوند به او امر کرد که درخت خرما بکارد. مردم و قوم او از کسارش رد می شدند و او را استهزاء می کردند که بعد از پیری و بعد از اینکه نهصد سال از عمرش گذشته، تازه درخت خرما می کارد و گاه حضرت را سنگباران می کردند. با این حال، پنجاه سال دیگر نیز به آنها مهلت

داد.

رفتار حضرت نوح علیه السلام درس بزرگی است برای تمامی مبلغان و واعظان که تا آنجایی که توان دارند، به دنبال نصیحت و خیرخواهی مردم باشند و زود احساس خستگی نکنند و سریع از هدایت مردم ناامید نشوند.

۲. خیرخواهی حضرت هود علیه السلام

قرآن از زبان حضرت هود علیه السلام نیز نقل می کند که: «أُتِلِّفُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ»^۳ «رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم و من خیرخواه امینی برای شما هستم».

حضرت هود علیه السلام وقتی مبعوث شد مردم خویش را نصیحت و هدایت کرد؛ ولی آنها از سخنان هود علیه السلام به چشم آمدند و به او حمله کردند و گلوی او را آن قدر فشردند که نزدیک بسود جان دهد و تا یک شبانه روز بیهوش افتاده بود. با این حال، خدا به او

۱. حیوة القلوب، علامه مجلسی، انتشارات سرور، ۱۳۸۰ ش، ج ۱، صص ۲۵۴-۲۵۵.

۲. هود/۳۶.

۳. حیوة القلوب، ج ۱، ص ۲۵۵.

۴. اعراف/۶۸.

نماید و بسیاری از آنان را هدایت کند. در سطح جهانی نیز اگر مبلغ ناصح و خیرخواه در شهر و کشوری استقامت کند، در مدت کمی می‌تواند جمع زیادی را هدایت نماید.

۳. خیرخواهی حضرت صالح علیه السلام

حضرت صالح علیه السلام نیز به قوم خود فرمود: «يَقَوْمَ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَأَسْجِبُونَ النَّاصِحِينَ»^۱ «ای قوم! من رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و برای شما خیرخواهی را انجام دادم؛ ولی [چه کنم که] شما خیرخواهان را دوست ندارید.»

نکته‌ای که از این آیه استفاده می‌شود، این است که خیرخواهی آن‌گاه اثر می‌گذارد که انسان به خیرخواهان ارادت و محبت داشته باشد.

حضرت صالح علیه السلام در شانزده سالگی برای تبلیغ دین خدا مبعوث

خطاب فرمود که مبادا از هدایت و خیرخواهی مردم ملول و خسته شوی و باید به کار خویش ادامه دهی.^۱

آن حضرت هفتصد و شصت سال مردم را دعوت به حق نمود و به دنبال خیرخواهی و نصیحت آنان بود تا آنجا که خداوند اراده کرد با ریگهای بیابان احقاف و سنگهای آن، مردم را هلاک نماید. هود علیه السلام از سر خیرخواهی به آنان فرمود: «می‌ترسم که این تلها [ریگ و سنگ] مأمور به عذاب شما گردند؛ ولی با این وجود، مردم اجابت نکردند.»^۲

خداوند برای تنبیه مردم هفت سال خشکسالی را بر آنان مسلط نمود. با دعای حضرت خشکسالی برطرف شد و نعمتها فراوان گردید؛ ولی باز هم هدایت نشدند و بر لجاجت خویش افزودند. سرانجام خداوند آنان را با باد بسیار سرد به هلاکت رساند.^۳

در این زمان که چنین سختیهایی وجود ندارد و حقیقتاً باید خدا را بر این موضوع شکر گذاری کرد، که یک مبلغ با ماندن یکی دو سال در محلی می‌تواند تحوّل عظیمی در مردم ایجاد

۱. حیوة القلوب، ج ۱، ص ۲۸۲.

۲. همان، ص ۲۸۳.

۳. همان، صص ۲۸۴ - ۲۸۵، با تلخیص.

۴. اعراف/۷۹.

شد و مردم را به خیر و صلاح دعوت نمود تا اینکه سنش به ۱۲۰ سالگی رسید؛ ولی آنان اجابت نکردند^۱ و بعد از مجادله زیاد از صالح علیه السلام خواستند که شتری از دل کوه بیرون آورد. به فرمان خداوند چنین کاری انجام گرفت و از هفتاد نفری که صحنه را دیدند، جز شش نفر ایمان نیاوردند و ششمی از آنها نیز دچار تردید و شک شد و پنج نفر باقی ماندند.^۲

۴. خیرخواهی حضرت شعیب علیه السلام

در قرآن کریم از زبان حضرت شعیب علیه السلام نیز می‌خوانیم: «يَا قَوْمِ لَقَدْ أَنْبَأْتُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ ءَأْتَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ»^۳ «ای قوم من! من رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و برای شما خیرخواهی نمودم. با این حال، چگونه بر حال قوم بی‌ایمان تأسف بخورم!»

حضرت شعیب علیه السلام دو بیست و چهل و دو سال عمر کرد و قوم خود را نصیحت کرد تا پیر شد. مدتی از قوم خود غایب گردید و دوباره به صورت جوان برگشت و قوم خویش را به نیکی دعوت نمود؛ اما آنها گفتند: آن‌گاه

که پیر بودی، سخن تو را باور نداشتیم؛ چگونه امروز که جوانی باور کنیم؟^۴
۵. لزوم مواظبت در برابر مدعیان

خیرخواهی

هر کس به برش خرقه او پس قرنی نیست
هر شیشه گلرنگ عقیق یمنی نیست
هر شخصی که زبان به نصیحت و خیرخواهی باز کرد، این‌گونه نیست که واقعاً خیرخواه و ناصح باشد. باید دید به چه چیزی انسان را راهنمایی می‌کند و به کدام خیر، انسان را می‌خواند؟ بسیاری کسانانی که قلم خیرخواهی به دست می‌گیرند و زبان به نصیحت می‌کشایند؛ ولی در واقع قصد انحراف و خیانت به مردم را دارند. نمونه بارز تاریخی آن جریان شیطان و حضرت آدم علیه السلام و حوا علیها السلام می‌باشد.

«سپس شیطان آن دو را وسوسه کرد تا آنچه را از اندامشان پنهان بود، آشکار سازد و گفت: پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده، مگر به

۱. حیوة القلوب، ج ۱، ص ۳۱۱.

۲. همان، صص ۳۱۱-۳۱۳.

۳. اعراف/۹۳.

۴. حیوة القلوب، ج ۱، ص ۵۷۴.

در باره یوسف به ما اطمینان نمی کنی؛ در حالی که ما خیرخواه او هستیم»^۱.
 علی علیه السلام فرمود: «وَرَبَّمَا نَصَحَ غَيْرُ النَّاصِحِ وَعَشَّ الْمُسْتَضِخَّ»^۲ چه بسا آن کس که اهل اندرز و خیرخواهی نیست، اندرز دهد [و خیرخواهی کند] و آن کس که درخواست نصیحت از او شده است، خیانت ورزد.»^۳

اهمیت خیرخواهی در روایات بسیار است. در روایات نیز تعبیرات حساس و حیاتی از نصیح و خیرخواهی آمده است که به نمونه هایی اشاره می شود:

۱. محبوب ترین عمل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَحَبُّ مَا تَعْبَدُ لِي بِهِ عَبْدِي النَّصِيحُ لِي»^۴ خداوند عز و جل فرمود:

۱. اعراف / ۲۰.
۲. همان / ۲۱.
۳. همان / ۲۲.
۴. یوسف / ۱۷.
۵. نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، نامه ۳۱، ص ۹۳۰؛ نهج البلاغه، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، ج ۳، نامه ۳۱، ص ۹۲.
۶. الترغیب والترهیب، ج ۲، ص ۵۷۷، ح ۱۶؛ منتخب میزان الحکمة، محمدی ری شهری، ص ۵۰۲، ح ۶۰۴.

خاطر اینکه [اگر از آن بخورید،] فرشته خواهید شد یا جاودانه [در بهشت] خواهید ماند»^۱ و برای اینکه حرف خود را به باور آن دو برساند، به قسم و اینکه خیرخواه شما هستید، متوسل شد: «وَقَسَمْتُ لَكُمْ إِنِّي لَكُمْ لَسَمِنُ النَّصِيحِينَ»^۲ «و برای آنها سوگند یاد کرد که من برای شما از خیرخواهانم.» و در ادامه این آیات می خوانیم: «و به این ترتیب آنها را با فریب [از مقامشان] فرود آورد»^۳.

آری، ناصحان شیطان صفت به دنبال سقوط جامعه و افراد هستند، نه صعود و پیشرفت و تکامل آنها. نمونه دیگر از مدعیان خیرخواهی، برادران یوسف علیه السلام هستند که از در خیرخواهی وارد شدند و یوسف علیه السلام را به چاه انداختند. امروزه نیز ظاهر صلاحان و برادر نمایانی وجود دارند که جامعه و افراد را به دره بیچارگی و چاه بدبختی سوق می دهند. در قرآن کریم می خوانیم: «قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَصِيحُونَ»^۴ [برادران یوسف علیه السلام] گفتند: پدر جان! چرا

چرا که هرگز با عملی که با فضیلت تر از خیرخواهی باشد خدا را [در روز قیامت] ملاقات نخواهید کرد.»

۴. عملی ضروری و فراگیر

نُصح و خیرخواهی فقط یک توصیه اخلاقی نیست؛ بلکه یک وظیفه دینی و اسلامی است و بر همگان لازم است در هر حال خیرخواه برادران مؤمن خویش باشند.

علی علیه السلام فرمود: «إِنْ خَلَقَ أَحَدٌ النَّصِيحَةَ حَسَنَةً كَانَتْ أَوْ قَبِيحَةً،^۱ بَرَادِرَتْ رَا خَالصَانَهُ نَصِيحَتِ وَ خَيْرِ خَوَاهِي كُنْ؛ خَوَاه [أَنْدَرِز وَ خَيْرِ خَوَاهِي تَوَادِرْ نَظَرِ أَوْ] نِيكَ بَاشِدْ يَازِشْت.»

و امام صادق علیه السلام فرمود: «يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ النَّصِيحَةُ لَهُ فِي الْمَشْهَدِ»

۱. وسائل الشيعة، شيخ حر عاملی، ج ۱۶، ص ۳۴۴، ح ۲۱۷۲۰.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۲۰۸، ح ۵؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۵۰۲، ح ۶۰۹۲؛ پیام قرآن، ج ۲، ص ۱۴۹.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۲۰۸، ح ۶؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۵۰۲، ح ۶۰۹۷.

۴. نهج البلاغة، ترجمه فیض الاسلام، نامه ۳۱، ص ۹۳۳؛ نهج البلاغة، ترجمه مکارم شیرازی، ج ۳، نامه ۳۱، ص ۹۴.

مرا عبادت می کند، خیرخواهی برای من [و در راه رضایت من] است.» در واقع، با خیرخواهی گستره بندگی خداوند بیش تر می شود و این تنها ناصح نیست که بندگی می کند؛ بلکه نصیحت پذیرها نیز در مسیر بندگی قرار می گیرند.

۲. بالاترین منزلت

هر کس در مسیر خیرخواهی مردم قدم بردارد، از باب «أَلْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُ اللَّهِ»^۱ در مسیر خدا قدم برداشته و حرکت در مسیر الهی باعث بالا رفتن مقام و منزلت اخروی او می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ أَكْبَرَكُمْ النَّاسِ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْشَاهُمْ فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لِخَلْقِهِ»^۲ به راستی بلندمرتبه ترین مردم در پیشگاه خداوند در قیامت کسی است که از همه بیش تر تلاش در خیرخواهی مردم کرده است.»

۳. برترین عمل

امام صادق علیه السلام فرمود: «عَلَيْكُمْ بِالنُّصْحِ لِلَّهِ فِي خَلْقِهِ فَلَنْ تَلْقَاهُ بِعَمَلٍ أَفْضَلَ مِنْهُ»^۳ بر شما لازم است که خیرخواه خلق خدا برای [رضای] خدا باشید؛

خیرخواهی مرد همین بس که... از آنچه برای خود نمی‌پسندد، [دیگران را] نهی نماید.»

۶. فرمانبرداری از خدا

علی علیه السلام فرمود: «إِنَّ النَّاصِحَ النَّاسِ لِيَنْفِسِهِ أَطْوَعُهُمْ لِرَبِّهِ وَإِنَّ أَعْشَاهُمْ لِنَفْسِهِ أَغْضَاهُمْ لِرَبِّهِ»^۴ همانا مطیع‌ترین مردم برای خدا ناصح‌ترین آنان به خود می‌باشد و نافرمان‌ترین مردم نسبت به خداوند فریبکارترین نسبت به خود می‌باشد.»

۷. حسود نباشد

کسی می‌تواند خیرخواه مردم باشد که از پیشرفت دیگران ناراحت نشود و به تعبیر بهتر، حسود نباشد. حسود هرگز نمی‌تواند ناصح و خیرخواه خوبی برای مردم باشد. امام صادق علیه السلام فرمود: «الْناصِحَةُ مِنَ

وَالْمَغْيِبِ؛^۱ بر مؤمن واجب است که خیرخواه [برادر] مؤمن [خود] باشد؛ چه در پشت سر و چه در حضور او.»

نشانه انسان خیرخواه

هم برای شناسایی افراد خیرخواه از غیر آنها و هم برای شناخت خود لازم است که اجمالاً با برخی نشانه‌های نصح و خیرخواهی آشنا گردیم:

۱ تا ۴. نشانه‌های انسان خیرخواه در

کلام پیامبر صلی الله علیه و آله

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: أَمَّا عَلَامَةُ

النَّاصِحِ فَأَرْبَعَةٌ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَيُعْطِي الْحَقَّ مِنْ نَفْسِهِ وَيَرْضَى لِلنَّاسِ مَا يَرْضَاهُ لِنَفْسِهِ وَلَا يَغْتَدِي عَلَى أَحَدٍ؛^۲ اما نشانه ناصح [و

خیرخواه] چهار چیز است: ۱. به حق داوری و حکم می‌کند؛ ۲. و خود نیز حق را مراعات می‌کند [و به حق رفتار می‌کند]؛ ۳. و آنچه برای خود می‌پسندد، برای مردم نیز می‌پسندد؛ ۴. و بر هیچ کس تعدی [و تجاوز] روا نمی‌دارد.»

۵. نهی از آنچه برای خود نمی‌پسندد

علی علیه السلام فرمود: «حَسَبَ الْمَرْءٍ... مِنْ

نُصْحِهِ نَهْيَهُ عَمَّا لَا يَرْضَاهُ لِنَفْسِهِ؛^۳ از

۱. الکافی، ج ۲، ص ۲۰۸، ح ۲؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۵۰۲، ح ۶۰۹۶.

۲. تحف العقول، ص ۲۰؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۵۰۲، ح ۶۰۹۸.

۳. کشف الغمّة، اربلی، ج ۳، صص ۱۳۷-۱۳۸، به نقل از: منتخب میزان الحکمة، ص ۵۰۲.

۴. نهج البلاغة، ترجمه مکارم شیرازی، خطبة ۸۶، ص ۲۱۲؛ الدرّة الباهرة، ص ۲۶؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۵۰۲.

کرد و مشغول نماز شد. فردای آن روز نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن سخن را تکرار فرمود. باز همان مرد انصاری وارد شد و روز سوم نیز همین داستان تکرار شد. بعد از خارج شدن آن حضرت از مجلس، یکی از یاران به دنبال آن مرد انصاری رفت و سه شب در نزد او به سر برد؛ ولی از شب بیداری و عبادت [فراوان] چیزی ندید، جز اینکه هنگام رفتن به رخت خواب ذکر خدا را می‌گفت و بعد می‌خوابید و برای نماز صبح بیدار می‌شد.

بعد از سه شب آن صحابی گفت: من از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله درباره تو چنین سخنی شنیدم، خواستم بفهمم که چه اعمال و عباداتی انجام می‌دهی که باعث شده پیامبر صلی الله علیه و آله تو را بهشتی بخواند؟ مرد انصاری در جواب گفت: غیر از آنچه دیدی از من بندگی [بیش تری] سرنمی‌زند، جز آنکه بر احدی از مسلمانان در خود غش و

الْحَابِئِدِ مُحَالًّا؛^۱ خیرخواهی از انسان حسود [نسبت به دیگران] محال است. منظور محال عادی است؛ یعنی معمولاً انسان حسود خیرخواه مردم نیست؛ نه محال عقلی؛ چون ممکن است در موردی بر اثر انفعال و ... حسود هم بتواند خیرخواهی کند.

آثار خیرخواهی

انسان خیرخواه چون دارای نیت پاک است و براساس «أَتَمَّ الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»^۲ همانا عملها براساس نیتها هستند [که محاسبه می‌شوند]. هر روز از نظر روحی و روانی ترقی و رشد بیش تری پیدا نموده، به خداوند نزدیک‌تر می‌شود.

تا آنجا که بالاترین مقام در نزد خداوند مخصوص خیرخواهان است: «... أَغْظَمُ النَّاسِ مَنَزِلَةً... أَمْشَاهُمْ... بِالنَّصِيحَةِ»^۳

راوی می‌گوید: نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشسته بودم، آن حضرت فرمود: «اکنون شخصی بر شما وارد می‌شود که از اهل بهشت است.» پس مردی از انصار درحالی که آب وضو از محاسنش می‌چکید وارد شد و سلام

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۷۸، ص ۱۹۴.

ح ۹.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۴۸، ح ۸۹.

۳. ترجمه و منابع آن گذشت.

نَاصِحاً يَهْدِيهِ وَتَجَنَّبَ غَاوِيًا يُزْدِيهِ»^۳ خوشا به حال کسی که خیرخواهی ناصحی را که او را هدایت می‌کند، اطاعت کند و از گمراهی شخصی که او را به پستی می‌کشاند، دوری گزیند.

و فرمود: «مَنْ خَالَفَ النَّصِيحَ هَلَكَ»^۴ کسی که با خیرخواهی مخالفت کند، هلاک می‌شود.

و حضرت باقر علیه السلام فرمود: «اتَّبِعْ مَنْ يُنِيكُ وَهُوَ لَكَ نَاصِحٌ وَلَا تَتَّبِعْ مَنْ يُضْحِكُكَ وَهُوَ لَكَ غَاشٌّ»^۵ پیروی کن کسی را که تو را می‌گریاند در حالی که خیرخواه توست و پیروی نکن از کسی که تو را می‌خنداند لیکن فریبنده توست.

خیانتی نمی‌بینم و بر خیر و خوبی که خدای تعالی به او عنایت کرده، حسدی نمی‌ورزم [و در یک کلام خیرخواه مردم هستم]. آن صحابی گفت: این حالت است که تو را به این مرتبه [عالی] رسانده و این صفتی است که تحصیل آن از ما [و از هر کسی] بر نمی‌آید!

نکات پایانی

در خیرخواهی و خیرپذیری به این نکات توجه شود:

۱. میانه روی

اندازه نگهدار که اندازه نکوست هم لایق دشمن است و هم لایق دوست امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «كَثْرَةُ النَّصِيحِ تَدْعُو إِلَى التَّهْمَةِ»^۶ زیادی نصیحت و خیرخواهی [و تکرار آن] عامل [بدگمانی] و تهمت می‌شود.

۲. توجه به خیرخواهی دیگران

خیرخواهی و نصیحت آن‌گاه به نتیجه مفید می‌رسد که شخص نصیحت‌شده، خیرخواهی دیگران را مورد توجه قرار دهد و به آن ترتیب اثر دهد.

علی علیه السلام فرمود: «طُوبَى لِمَنْ أَطَاعَ

۱. محجة البيضاء، محسن فیض کاشانی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۵، ص ۳۲۵؛ الترغیب والترهیب، ج ۳، ص ۵۴۸، ح ۱؛ معراج السعادة، مرحوم نراقی، نشر هجرت، ص ۴۷۲.
 ۲. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۶۶، ح ۷؛ ر.ک: الدررة الباهرة، ص ۲۶؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۵۰۲.
 ۳. غرر الحکم، ح ۴۵۷۵.
 ۴. همان، ح ۱۰۶۶۳.
 ۵. المحاسن، برقی، ج ۲، ص ۴۴۰، ح ۲۵۲۶؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۵۰۲.